



هفته نامه

# رهائی

سال اول شماره ۱۷  
سهشنبه یازدهم دیماه ۱۳۵۸  
تک شماره ۲۰ ریال

• بورژوازی لیبرال  
و افشاگری «پیروان خط امام»

• کردستان  
تحلیلی از مذاکرات صلح

• حزب توده (۲)  
چرا «سنگ را بسته و سنگ را گشوده اند»

• تقلاهای حزب امل  
چگونه رشوه خواری چمران توجیه میشود

• در حاشیه رویدادها

# بورژوازی لیبرال

## واپس‌گرایی «پیروان خط امام»

### برای شناخت از ماهیت بورژواالیبرالها. قبل از اینکه به اسناد و مدارک جاسوسی احتیاجی باشد، به تحلیل علمی نیاز است

یکی از مسائلی که در رورهای اخیر جهانی بسیار برانگیخته است "افشاکریهای دانشجویان سروخط امام در مورد بخشی از بورژواالیبرالهای وطنی است. اس "افشاکریها" بعد از فریب‌س هفته که از اعمال لانه‌ی جاسوسی امریکا میکرد آغارنده که فعلا در همان مراحل اول مجدداً سکوت گذاشته شده است.

#### بورژوا لیبرال مدافع امپریالیسم نا جاسوسی امریکا؟

محور این "افشاکریها" (ناآن حدی که تا کنون اعلام کرده) عناصر یا جریاناتی از لیبرالها بوده‌اند. در ابتدا مقدم مراغه‌ای، اسنادار سابق آذربایجان، نماینده سابق مجلس خبرگان و موسس نهضت رادیکال و سپس امیر انتظام از اعضای مؤثرنهم آزادی، دکتوی سابق دولت و نهم سابق جمهوری اسلامی در کشورهای اسکاتلندیاوی بر اساس اسنادی که از اسن لانه جاسوسی بدست آمده بود، به جاسوسی برای امپریالیسم امریکا مهم شدند.

اما آیا برای شناختن نفس واقعی این افراد و همدی هم نظران و همپالکی هاستان باید منتظر "کشف‌سند" می ماندیم؟

ساری از نیروهای انقلابی و حب، چه قبل از پیروزی قیام و چه سراز آن بخصوص هنگام تشکیل دولت موقت به نخست‌وزیری بازرگان، سنا تحلیل از گذشته‌ی فعالیت‌س سیاسی و نظریات این افراد و جریانهای سیاسی بدرستی مذهب واقعی آنان را باز کرده و به افشای وسیع این طیف، بمثابه مدافعی حاکمیت امپریالیسم در ایران پرداخته بودند. قبل از پیروزی قیام، در همان زمانکه توده های میلسونی مردم فریاد مرک بر شاه را سرداده و خواهان سرکوسی رژیم حاکمکنار و وابسته با امپریالیسم بودند، ساررهای این جریانات به "کله کزاری" از نحوه مدیریت جامعه و نارسائی‌های در اداره‌ی مملکت محدود میتد. حفظ قانون اساسی و رعایت آن (یعنی شاه سلطنت‌کند و نه حکومت) اوج رادیکالیسم این حضرات بود. پس از کسش سارزات مردم و منیلور شدن حواست سرکونی رژیم، همین آقایان، بعد از مدت‌ها معامله و این با و آن پا کردن بالاخره به این خواست مردم نس داده و ظاهراً تسلیم خواست‌توده ها شدند.

با این وجود از کوشش برای "آرام کردن مردم" و پا در مسانی میان امریکا و بخش‌های رادیکال مذهبی، به قول خودشان ظاهراً برای

جلوگیری از خونریزی و در واقعیت جهت‌جلوگیری از خدشه دار شدن ترکیب رابط سیاسی و اجتماعی و پایان دادن به "آشوب و هرج و مرج" و ختم "عائله" بود امپریالیسم و خودشان فروگذار نکردند. هنوز مردم‌داستان ارنشاط قره سایی با بازرگان همزمان با حضور ژنرال هوپزر در ایران و بدنبالش اعلام تسلیم ارتش و بلافاصله پس از آن تفویض پست نخست‌وزیری به بازرگان را فراموش نکرده‌اند. هنوز دو سه روز از پیروزی قیام نگذشته بود که دولت موقت با پشتیبانی‌جمعیتی دستور خلع سلاح مردم را صادر کرد. هر روز که از عمر دولت موقت میکندت، عمق وابستگی و جاسبداری آن از امپریالیسم آشکارتر میشد. اصرار در عدم لغو قرار داده‌های غارتگرانه با امپریالیسم و حتی عدم افشای مفاد آن، طرح استخدام مجدد کارشناس برای ارتش و صنایع، کوشش و اتنمادی با امریکا و سایر کشورهای امپریالیستی با پوشش عوام‌فریبانه کشورهای امپریالیستی عوام فریبانه "حفظ رابطه دوستانه با تمام کور ها"، کار را بداجا رساند که حتی کارشرووزیر امور خارجه اش بعد از کفتکوشی با یزدی، از بهبود اوضاع در ایران ابراز خوسندی کرده و اعلام کردند هیچ مسئله‌ی تاریکی در روابط

سین امریکا و ایران وجود ندارد .  
لارم به تذکر است که در تمام این  
سجل و انفالات تمام مراکز قدرت  
از رهبری تا دولت و شورای انقلاب  
دستی دستاورد و بوافی خود را با  
آن اغلام کرده بودند .  
با بر این " خطای " دولت  
کدسه و بهضارآرادی و خزانسات  
ماه ، اس بوده و بیست که مثلا  
یکی از عناصر مؤثر آن با عیلا  
ارسطادانسه و تا در دوران قیام  
و بعد از آن نفاشائی با همانندگان  
امریکا دانسته اند . بعد مسئله ممرات  
عمیق تر از این است . مسئله حضور  
یک جریان مدافع امپریالیسم و حامی  
آن در تمام ارکان هیئت حاکمه و  
حضور یک نظر و حظ و می سیاسی  
مدافع سرحت سرمایه داری معسوان  
با نگاه اجتماعی امپریالیسم در ایران  
است . جریان - ی که نه از بیست

حاج را تا هزار ریسمان و طبایه  
امپریالیسم پیوند میدهد و آنها را  
مخورت عاملین اجرای سیاست سرمایه  
داری جهانی در میآورد .  
آقای باررکان در محاضراتی با  
سامداد در تاریخ سوم دیماه ۱۳۵۸ بعد  
از سر ملا شدن روابط امر انتظام و  
سیا در سوحیه سخنگوی دولتی میگوید:

اتفاقا در این اساد که  
نلوبیوزن آترو مستتر کورد ،  
استادی دال بر خلوصیت و  
مهارت امیر انتظام در دفاع  
از منافع ایران میکند . آقای  
امیر انتظام را من از او ان  
محصل در دانسکه می . . . . .  
می شام . . . . . در سالهای بعد  
از کودتا اینان عضو فعال و  
رابط سیاسی بهضت مقاومت سیا  
حارجی ها بود . . . . . سخنوان

مامور سیاسی سفارت در سالهای ۱۳۳۵ -  
۱۳۳۷ بود !!  
اما با وجود این صراحت کلام  
هنوز هم نیازی به استناد سری تا بی  
مماهد ؟  
این اصطلاح بورژوا لسرالینا -  
اس مدافعین سر سخت سرمایه داری ،  
حتی خود نمر هیچگاه ادعای مبارزه با  
امپریالیسم را ندانند و رادبکا -  
ل نریستان حد اکثر از حفظ مناسبات  
عادلانه " با امپریالیسم سخن میگویند .  
برای کسی که ملج به اندو -  
لوزی انقلابی بوده و توان تحلیل از  
این روابط را بر پایه ی شناخت از  
جامعه و خواستگاهها و مفاعطفقانی  
بختهای مختلف داده باشد ، برای  
کسانیکه پیش از پرداختن به سطح ،  
عمق قضا را مگاوند ، نسخ -  
ماهیت این چنین جریانهای امری  
بدیهی است .

**تا زمانی که مبارزه جدی علیه پایگاه امپریالیسم در ایران، علیه سرمایه داری آغاز نشده،  
نمی توان از مبارزه قاطع ضد امپریالیستی دم زده و با کنار گذاشتن این شخصیت و آن  
عنصر نفوذ سیاسی و اجتماعی امپریالیسم را قطع نمود .**

آرادی شروع شده و بد تا کنار گذاسن  
عناصری از آن بان مییدید .  
اس " لسرالها " و مدافعین  
سرمایه داری پیت از آنکه حاسورباشند  
و پیرار آکد حتی لارم باند ، مامور  
سیا یا ورار خارجه ی امریکا تعاسی  
تا آنها دانسه و راه و جاه را به  
انان نشان دهد ، دلیل ماهیت  
طفقانی خود و بحاطر است که " راه نجات  
مملکت از آتوب و هرج و مرج " را حفظ  
مساب کذسه با ظاهری عوامفرسات  
مداستند ، درشان را بهتر از آن  
مامور سیا و مستر ابکی ماموروزارت  
خارج میدانند سیا بر این برای  
درب از آنان ، صل از است که  
استاد و مدارک جاسوسی احتیاجی باد ،  
به تحلیل علمی شمار است . تحلیل  
علمی برای بار شناختن آن روابط  
بجیده و پنهان و آشکاری که این

مونه ما برای هر کارمصد  
سیاسی که وارد ایران میشود  
مخصوص امریکاشها دسته گل  
میفرستادیم و تا ارسال این  
دسته گل ها از جناببات شاه  
و حکومت غیر قانونی او بر  
ملب ایران و جبالکرها وغار -  
تکری های شاه و دستگاه سلطت  
اشاکری میگردم ، و همس  
آقای امیر انتظام بود که  
داخل دسته کلی برای آقای  
کاتم " که از ماموران امریکا  
ئی بود ، نامه ای فرستاد که  
برای همین کار غده ای از ما  
هم به رندان استادیم .  
نوضیحا اضافه کنیم که آقای  
ریچارد کاتم از کارمندان ما سابقه  
سیا و مامور این سازمان جاسوسی در  
زمان کودتای ۲۸ مرداد در ایران و

انهای استاد جاسوسی تا ابراری برای  
از میدان بدر کردن حرب ؟  
ما بر این هر نیروی سیاسی که  
مختصر ساحتی از وضعیت جامعه داشته  
و قادر به تحلیل روابط امپریالیسمی  
و سیاست های آن باشد باید ماهیت  
چنین جریانهای را تشخیص میداد و آنها  
را افشا میکرد .  
اما از جانب دیگر تا کیونشاهد  
بوده ام که بسیاری از کسانیکه اکنون  
" زب صد امپریالیسمی " بخود کرفه -  
اند ، به تنها ابرار هر گونه مخا -  
لقبی یا دولت آقای باررکان و سیا -  
سعداران ماه " بر کزده امام را " -  
مخار نمی نمودند ، بلکه انقلابسوسی  
را هم که به این مسئله ای اساسی توجه  
کرده و به مبارزه علیه ناکاههای  
داخلی امپریالیسم دامن میزدند ،

"عاملی سگانه" می خوانید. و امروز با کمال سمرمی سوری خود نمی آورد که آقای بارزگان و امثالهم سرکزیده امام بودند و نه برکریده انقلابیون. درروز نه انقلابیون تمام میدادند که چرا میخواهند "روابط ایران و آمریکا را بره کنند". چرا به خودورتر و ورزای صحت "تهمت" میرسد. و امروز با "فراموشی" کردن دیروزترجم ساررره غلبه امیرالایم (!!) را متغلبانه به دوش گرفته اند و توقع دارند دیگران سراه آنها بیرون آوند آمدند.

اولین چیزی که در این افتاکر- بها طلب نظر می کند، پراکندگی و "اسحاب" امردای است که ناند سه جاسوسی منعم شوند. درست در اوج حوادث آذربایجان سد افکندگی داندجویان مبنی بر جاسوس بودن مقدم مراعاتی انبار می ناند. حکم جلب مقدم مراعاتی صادر شده و ناین بریب یک جریب از میدان خارج می گردد.

خند رور بعد، با نزدیک شدن اسحاب ریاست جمهوری، ناسانی صنی بر کاندیداتوری بازرگان نکوس میرسد. اما داندجویان پیرو خط امام این بار نیز دستیکار شده و در میان اساد دست آمده، بطور کاسلا "صادقی و ساکھانی" جمان به نام آقای امیر انتظام معناد، و درمیابند که او هم جاسوس امیرالایم بودا سد حمله افشاکری ترتیب داده شده و روابط این تحریک امریکا رو می شود. اما بها این یک حمله افشاکری حرف میدان را حالی نمی کند و بازرگان طی مباحثه دفاع از امیر انتظام بر میخیرد و این بار "کل آن جریبان سیاسی که آقای امیر انتظام نمانده اس می - ناند" یعنی بهفت آردای نه جاسوسی متهم می شود. در حبس افشاکری، دا - ندجویان بر گزار کننده این برنامه چند بار ناکند میکنند که امامی دیگری سیر در اساد وجود دارد که بعدا افشا خواهد شد !! ... چرا؟ معلوم نیست!

در کنار این وقایع شایعانی نیز میسر "کتف امامی زبانی که هنوز اعلام شده اند" بر سر زبانه می افتد.

با توجه به اس "انقادات" و حکومتی افشاکریها و سیودی بر خورد اساد کنندگان این سئوال بیستنی می آید که: آیا مسئله واقعا افشای جریبانواسته و بنسبایان امیرالایم است؟ یا سوب حسابا ناکنده افراد و جریانات معنی. مگر نه اینست که داندجویان به تمام اساد و مدارک موجود در لانه جاسوس سید پیدا کرده و با کتون همد را از نظر کدرانداد پس این بازیها، این به نعل و سه منح زدنها، امامی ذکر نکردن ها برای حسب؟ آیا برای این نیست که بتوان با مدد زمان ربادی از اسس اسناد بمتانه وسیلهی ناساز استفاده کرده و آنها را هساند سسر داموب کلس بر فرار بر زمین آویزان کرد؟ طف جریانات "کسرال" سارمانها و عناصر سنگیل دهنده آن کذنبه ی آنها و ساس های نعلیان، روابط اشکار و پنهانسان با امیرالایم (چه از نوع امریکائی و چه اروپائی) سسر هیچکس پوشده نیست. بها بر اسن اگر نمد واقعا افشاکری ناند ناند محمود این جریانات سیاسی سسر اسان نظریات آنها و روابطان سا امیرالایم علیرغم آنکه سدی هم در این مورد در لانه جاسوسی بافتند بود نا به اساد، بود. اما نکاهی به حد ماه کذنبه واقعات دیگری را سسر ناند میدهد.

مگر نه اینست که از آغاز پیروزی پیام، یکی از خواستهای مردم در جهت افشای جنایات امیرالایم، بر ملا کردن مفاد تمام فرار دادهای سارنبار سیاسی - نظامی - اقتصادی و فرهنگی ایران با امیرالایم بود. چرا این کار تا کنون انجام ننده، چرا حتی پس از اشغال لانه جاسوسی و آغاز سر- طلهی دوم " مبارزه ی ضد امیرالایمی این عمل انجام نگرفته است؟ اجرا در زمانی که هنوز چند ماهی از عمر حکومت جدید نگذشته بود تمام اسناد سفارت ایران در وانسکتن توسط داماد آقای بزدی برای اسان (که در آیرمان وریر امور خارجه نبود و نطف بیست متاور در کاسینه داشته اند) ارسال گردید. و از آن پس هم دیگر هیچکس

از محتوای اس اسناد اطلاعی نماند. چرا؟ آیا به این خاطر بود که در صورت اسای اس اسنادان اکسرت سسر سبانی سردمداران رژیم کسوسی همان کسده شده و روابط محرمانسان سا " سلطان سربک" بر ملا شد!

آیا با توجه به تمام اس مسائل سسر خم مسوان " اساکرتهای داسی جویان پیرو خط امام" را حدی نلنی کرده و به آن اسمدوار بود؟

با زمانی که مبارزه ی جدی علیه پایگاه امیرالایم در ایران، علیه سرمایه داری آغاز شده مسوان دم از مبارزه ی فاطع ضد امیرالایم زدن بها کنار کداس این خصمت و آن عنصبر ناند سوان نوده هارا موصافریب داد و آرام کرد ولی نمی توان نفوذ سیاسی احصاعی امیرالایم را قطع نمود.

امروز بهشتی ها، رسنحالی ها، حامدایها، نظریاده ها و سا هرها در فدرسد و زست های ضد امیرالایمی و ضد امریکائی آنها هساندر واقعی است که سرمایه داری بودن کارفرما- نان کارخانه ها، سوانی " فدامیر - بالیسی" کسالی نمانند مفتح کند از سببان کذاران اصلی حزب جمهوری اسلامی بوده و بعدا با روسن بدن ارتباطات وی با ساواک و مهره های رژیم کذنبه توسط رفقای ندیمی اس ظاهرا کنار گذاشته نده، سوانی آقای دکتر ناهر ساور فرج رو یارهای در کاسینه هودا، سوانی آقای دکتر بهشتی و همکارهای اشکار و ننهاس با رژیم کذنبه سوانی عناصری نمانند بزدی و نطف زاده و ... بالاخره سوانی حیل وسع سوزووا لسیرالها عیان سسر از آنست که اسای آن اختناج به سسد و مدرکار لانه جاسوسی داشته ناند، با زمانی که اس حسین کسالی در سسد قدرت فرار دارند، و سسرای مملکت سسبب سیاست می کنند و سا وقتی که همین ها کرداندگان نماند - نمانند " مبارزه ضد امیرالایمی" هسد مسوان از قطع نبود امیرالایم سخن گفت. امیرالایم گاه نمانند آمبیکهای خود را جمع می کند سا بای دیگری را دراز کند. هسار با سسم.

# کردستان

## جنگ و صلح پیش از آنکه مفاهیمی انتزاعی و عمومی باشند، بیانگر درجه معینی از رشد تضادها و حوادث سیاسی مترتب بر آن است.

آغاز مذاکرات "صلح" در کردستان علاوه بر آنکه پیام آور یک مرجعیت در سرکوب نظامی جنبش مقاومت است، واقع قدرت سیاسی حرس و نیروهای احمائی موجود در کردستان را نشان میدهد. "صلح و مذاکره" همچون "جنگ و مبارزه" غلبی برای نیروهای بیرونی محلی احمائی مگردد.

جنگ و صلح پس از آنکه مفاهیمی انتزاعی و عمومی باشد بیانگر درجه معینی از رشد تضادها و حوادث سیاسی مترتب بر آن است. جنگ و صلح دو عطف تضاد از یک سده و دو راه حل مختلف برای حل تضادهای احمائی می باشد، بلکه وجود جنگ و صلح هر یک من وجود حد معینی از تضاد و برحسبکی تضادهای احمائی است.

در مبارزات احمائی و در خاصاً طفائی آنچه مهم است حدروان نیروها در پیبردن مافعان است و نه "بنا" آن. نه "تلخو" و نه "حکجو" بودن آنها. "بنا" بر مبنای مرمکند، اعراضه و غیره و درک موقع قدرت سرار آنکه در دایره های محاصم باشد محصول حکومتی - رویدماف است.

در مذاکرات جاری در کردستان از یکو سبب حاکم ایران در حال حاضر بدلائل مختلف و محتمله عمر و روسی در سرکوب جنبش، خواهان "صلح" با شرایط خودگردانی است، و از سوی دیگر، برخی از نیروهای سیاسی و احمائی بدلائل دیگر ابتدا خواهان "صلح" با شرایط خودمختاری (با تعاریف خاص جوان) می باشد. آن پس معنی در کردستان، تلاش بر آنکه برای نیروهای محاصم ترمیمی برای نحدید توا است، و سزیر ماورهای حکمی ماورهای دیلماسیک را سر امروده است. بنا به آنکه در طرفین محاصم - خلق کرد و حکومت مرکزی - نیروهای مختلف، بدلائل

مختلف، خواهان نوعی "امنیت و آرامش" در منطقه می باشد و آگاهانه و ناآگاهانه توسط نمایندگان مسقیم و غیر مسقیم، باستان، اس نبار را می نمایند.

### زمینه های طبائی صلح

زمینه اجتماعی "صلح" با تعریف مشخص از خودمختاری در پس سوررواری و بخشهایی از حربه بورژوازی پیگیری کردستان ماهده می شود. پیورها در کردستان پس از آنکه مراکز متعددی می باشد، مراکز بخاری و اداری می باشد. نص حبات اقتصادی در دستسارار و سوررواری و انبارمرفه حربه سورروازی بخاری است. برای این سبب سروررواری "امنیت" و به لرونه صلح سررکیرس موهبت است. وجود تجارت می باشد عمده ترس وجه حبات اقتصادی. بخار سزرک و کوچک را بر آن میدارد که برنی جنبش کردی کالا از بهران، سرسر و کرمانشاه به پیروهای کردستان و از آن پیورها به صواب و دهاب و همچنین ارسال محمولات کشاورزی از روسا به پیورها و از آنجا به نقاط دیگر ایران خواهان برقراری امنیت است. برای این بخش "خودمختاری" بعنوان یک حواب ملی، بایدان اداره اهمیت دارد که مانع کردی کالاها و سرمایه نکردد.

برای ایان که خودسولندکنده مسقیم می باشد، دانس روابط حسد بخاری با آذربایجان، کرمانشاه و بهران یک ضرورت حیاتی است. و جنگ و نامی" نه تنها با اشکال در خرید و فروش کالاها میگردد، بلکه استفاده از اعیان سنی پس بخار را سر عملاً غیرممکن می باشد. اس جنبش پیروسی از طریق سدهای مختلف سورج حویس - حلو و سفل

، دکا کین، دستروان، و... بعضی سببناهمی را در حبات اقتصادی کردستان باری می باشد. اسان حسد بطور مستقیم و حد بطور غیر مستقیم سکنی جنب حویس را سر حوادب - حدر زمان جنگ و حد در زمان صلح نشان میدهد. در جریان جنگ، "سندج" که عمده ترین شهر کردستان است، حمایت "مردم" از پیورکها در معاضد ما دیگر شهرهای کردستان کمتر بود. سندج آجرس بهری بود که دوباره آزاد کردید. حسی در پس خودکردها، مسئله عدم حساب "سندجها" سبب سبب مسئله ملی را سزید است. اس امر پس از آنکه سبب ار رعیت افراد است، سبب از خودمختاری عمده اقتصادی آنان بعضی بخار می باشد. وجود "معتمدین محلی" - که عمدتاً نمایندگان پاراریان و فرهنگیان می باشد - در مذاکرات ماور، سبب مسقیم به سبب عزالدین از طریق اعزام نمایندگان بهری به سبب وی و خلاصه بخار سرخرت دمکرات که جنبش سببناهمی از سوررواری و حربه سوررواری را در حویل حویس مشکل نموده است، سبب سببای مبارزات ملی و مفهوم آن در تردایس جنبش از حامد کردستان می باشد.

اما پیورها، سبب حوجه در سررکیرس صرفاً سروهای با نفوذ صلح طلب می باشد. جنبش عمده کارگران کارگاههای سزرک و کوچک، روسفکران و کارمندان و دانس آموزان خواهان ادامه مبارزه در اشکال مختلف و سبب نامس سبب، دمکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان می باشد. اس سبب ار سببیر اسان از سبب نظر احمائی طب حبت کردستان را سبب سبب مدهدو حای عمده سروهای حبت محبوب میگردند. اسان سررکیرس با ور سببمرکان در پیورها بوده و سببب فقرات کاردهای حسی کردستان را سبب سبب مدهدو سبب سبب سبب سبب

اجتماعی و برحورداری از آگاهی‌یابی، ماریس باید بررسی بخش‌های مقاومت را مسازد.

اما کمیت عمده‌ای که صلح با سران خودگردانی را اساساً مورد استقبال دارد، دهقانان و دگرگان روستا هستند. کارگران فعلی، خوش‌سخت‌ها و... مثلاً: در بردانی سخن که عمده‌ترین منبع مازاد است، سمرک را تشکیل می‌دهد، "خودگردانی" و صلح از آن نوع که مروه صلح است، کلی مردود است. اما دلایل مختلف مادی، در کتب از خودمختاری فراسر از آن است که هیئت "حسن نیت" دولت در پی برآوردن آن میباشد. در بردانان، خودگردانی یعنی افسار حکومت مرکزی و عوامل آن در کردستان، و با حسی قدرت‌یابی محدود خود را نگاه می‌دارد. "مکتب قران" کرد آمده‌اند و از جانب ارباب‌های بی‌ترین محافل هیئت حاکمه نفی می‌شوند.

عمده‌میکند. ساند سنجاب‌انگیز نظر بردار ما بی‌کسافت ستم‌رین در نقاط مرکزی ایران. در کردستان ستم‌رین خاورری در طول جنگ و بعد از آن به تنها پائس نامده بلکه نرمی سیر پیدا نموده‌است. کشاورزان حر در دوران قاضی محمد هیچگاه در این حد به کار خود عشق نسوزند.

نکنه دیگر که باعث پیوستن خسل کرده مالکان به صفوف حسن، و همکامی آنان با محالین صلح تحملی، قاضی نروهر است، مسئله قدرت‌یابی قدرتی محلی- فئودالهای بزرگ - میباشد.

همگی در روزنامه‌ها ارفول نامیده "امام" در کردستان خواندم که چمران به صلح فئودالها پرداخته است. اما صلح فئودالها علیه دهقانان با قدرت‌یابی چمران آغاز نگردد، بلکه اولین بار در زمان وزارت قوه‌نی و در آغاز بهار آزادی، اینان با همکاری

رسمدهای سیاسی صلح

موسر قوی بدون اراده یک تحریر سیاسی از چگونگی و نفس‌سروهای سیاسی در حران مذاکرات، کامل خواهد بود. شامل طغیان‌ها همینه بطور ملاحظه و سبب‌های عمل نمی‌مانند. عوامل مختلف چون ست، اندولوژی غالب، حو عمومی... و حتی تضادها در سکل کبری مبارزات طبقاتی موثر میباشد. در چنین موسری، نارامی‌های سیاسی فعال در کردستان در حران صلح کمابیس در ادامه همان خط می‌کشد در طول جنگ دنبال می‌نمودند کام بردارند (مسئله‌ای که در مقاله "باید اسپانیایی دربار چک مقاومت" در آن نامده ابرم). خلاصه آنکه اگر اصلاحات دروسی حزب دمکرات وجود داشت، حرب دمکرات با توجه به ساختار دروسی اش

**کمیت عمده‌ای که صلح با شرایط «خودگردانی» در کردستان را اساساً مردود می‌شمارد، دهقانان و دیگر اقشار فقیر روستائین - کارگران فعلی، خوش‌نشینها و... میباشد.**

**در نزد حکومت مرکزی - خودگردانی چیزی جز امکان قدرت‌یابی زورگویان و فئودالهای محلی و پایمال شدن منافع ملی و طبقاتی آنان نیست.**

برای این بخش عظیم مردم کردستان، حکومت مرکزی چیزی جز زاندارمهای دزد، جنکلباسی مزاحم و باجگیر، ادارات دختاب‌جیالوکرو حی اداره آب و برق که از روستائینی که هنوز سخنی معنی آب‌لوله‌کنی را میدانند، آب‌بها، درخت کرده است، میباشد. از اینروابیه نامم وجود مخالف بازگشت هرگونه سلطه حکومت مرکزی اند، و حال که دست‌ایاکی حکومت مرکزی از روستاها قطع گردیده است، آنها دیگر مجبوره قربانی کردن تنها مرغ و بوفلمون خانه برای نماینده حکومت مرکزی - زاندارم - میباشد. و برای چراندن بر خود در جنکلبها محصور به پرداخت ۷ نوسان حرمه نیستند و تنهاکوی خویش را بجای آنکه با ضرر به حکومت مرکزی عرصه نمایند با سود بیشتری به بازار آزاد

دولت مرکزی و صاده موقت برای نصاب محدود زمینهای "سروخ" خویش صلح جدید. با چند سیرکوب در ۲۸ مرداد ۵۸ فئودالها قدرت محدودی یافتند. بر سر این قدرت یابی بود که مالکان کوچک بعد از اصلاحات ارضی راه بیروهای سمرک تبدیل نمود. اینان که عمدتاً در روستاهای نزدیک به شهرها ساکن هستند، در فتح مجدد شهرها نفس‌نشینا مهمی را داشتند و امروزه در کنار بخش دیگر مالکان کوچک با دهقانان در خیل جمعیت روستائین علیه تحولات و تمهدات حکومت مرکزی، که روزی بصورت تهاجم و رور دیگر بنکل "عطوفت" می‌باند در حال مفاصد. در بردانان، حدود گردانی چیزی جز امکان قدرت‌یابی زورگویان و فئودالهای محلی و پایمال شدن منافع ملی و طبقاتی آنان نیست.

تأسی می‌بوسد با حکومت مرکزی را در مازین درآمد و خودگردانی پشت‌پنجاهی آنان را با مضمیر تعدیلاتی بیدرد. حرب دمکرات امروزه عمدتاً سلب‌ان اختلافات است که موضع نسبتاً ارباب‌کالتر را انتخاب می‌نماید و بجای آنکه سبب صلح آقایان بن دردد "خودگردانی" را "سرگردانی" ملت‌کرد توصیف می‌نماید. در حقیقت بذیرین نزل مقام از ریاست هیئت‌نمایدکی خلق کرده سخنگوئی هیئت از جانب قاسملو - مسئله‌ای که قبل از روشن شدن عمق اختلافات جناح‌های حزبی امری محال سطر می‌رسد - سمانکر مانور یک جناح در مقابل جناح دیگر حزب دمکرات است. قاسملو در نامه بود که به دوستان بوده‌ام، و نند "جناح صلح طلب هیئت حاکمه" هیچکدام حاضر به بن دادن به حداقل خوانتهای



برای "سوجه" عمل انسان بود که سمد آبرو را برد .  
 ابتدا عنوان شد که اس پول را آقای چمران برای مصرف شخصی کرفته بوده بلکه نه سمدکنه حزب امل کرفتد و چون حزب امل حزبی مصرفی است پس اس پول در راه خسر مصرف رسیده است .  
 امضاج مضمه در آمد . نخست وزیر و عده ای از خبرنگاران روزنامه های رسمی کشور را احضار کرد و آرشها حواس که مطلب را از " قول خودشان " کذب کنند . و در مقابل این سئوال که چرا نخست وزیر رسماً موضوع را

کذب نمکند بآنها اظهار شد که " اینطور طبیعی تر است " !  
 باز امضاج مضمه در آمد . راه چاره " حزب املی " استجابند که از فرط دراست بی نظر است . اعلامیه چهار صفحه ای تحت عنوان " ای مکی عرصه سمرغ نه جولانکه نوبت " از طرف عده ای " بی نام و نشان " باحسوف جنبی و چاپ اعلامیه اخترا منتظرشده است که بد نیست خوانندگان رهائی از محتوای آن مطلع شوند .  
 در این اعلامیه ، " ما " ، که معلوم نیست چه موجود با سازمانی است ، ادعا میکند که :

چندی پیش در شماره ۱۰ هفته نامه «رهائی» ارگان سازمان وحدت کمونیستی مورخه ۵۸/۸/۸ مقاله تحت عنوان رشوه خواری مصطفی چمران جلب نظر کرد و برای روشن نمودن مطلب با آنکه مطمئن بودیم که خلاف واقع است به تحقیق پرداختیم و با مقامات ذیصلاح و دست اندرکار تماس گرفتیم و اکنون با ارائه مدارک نتیجه تحقیقات خود را برای روشن شدن افکار هم میهنان ذکا ارائه میدهم .

سوجه " تحقیقات های مجهول الاسم و مجهول الامکان این است که :

" آری آقای ابراهیمی ...  
 منوع الخروج بوده و سنایر مقررات هرکس سخواست خارج شود وزیر مربوطه که در اسن مورد وزیر ممکن و شهر سازی بوده ملاحظیه ایشان را باشد کرده و خروج وی را برای انجام ماموریت ( ! ) ناکند و نتجیب از ماست ( بلا مانع اعلام میدارد ... سماننده حسب ویریری در فرودگاه برای محکم کاری ( ! ) خروج ایشان را مشروط به سیردن ضمانت بعدی می نماید ...  
 آقای ابراهیمی بدون اطلاع و آگاهی کسی ( ! ) چک را در وجه مصطفی چمران کسبه و .....  
 سافی فزایا !

پس " نوجه کی حزب املی " بفول خود " برای محکم کاری " حنکی میکند و عکس یک نامه رسمی و ناپب شده از شرکت کمترش ممکن آقای ابراهیمی را چاپ میکند که عین آرا ما کراور می کنیم . در اس نامه گفته میشود که مبلغ ۱/۵ میلیون تومان بسوازمین نزد جاب چمران گذاشته میشود !

بدین ترتیب معلوم میشود که فضا تا حتی بدتر از آنست که ما فکر می کردیم چه علاوه بر رسوه کمری مسائل دیگری هم مطرح است :

۱ - معلوم میشود که آقای وزیرمکنی آقای ابراهیمی را بسعوان ماموریت بخارج فرستاده است . پرسیدی است که ماموریت ایشان چه بوده است ؟!

۲ - معلوم میشود که آقای چمران برای خود دولتی در دولت داردوچی در مواردی که خروج فرد محاز شده باشد ( نادعای نوشته موق ) ، ساز هم ایشان دم فرودگاه باج ( یا سبخشید حوالعمل ) خود را مکیرد .

۳ - معلوم میشود که آقای ابراهیمی علیرغم کسب اجازه و دریافت اطمینان از جاب وزیر ممکن ، از قبل نه سها ماجرای باحسوری را میدانسته بلکه مبلغ ۱/۵ میلیون تومان " بدون اطلاع و آگاهی کسی ( ! ) در وجه مصطفی چمران " حواله میدهد . و از فضای روزگار ( ! ) هماریحظه کارش راه می افند و بخارج میروود در شرکتستان دربی ماموریت از جاب وزیر جمهوری اسلامی نلتک سخته می ایدارد !

مسکویند کسی آمد سورمه سجنم خاسوی کند کوروش کرد . و ایبرا می کوبند دوستی خاله خربه ، دوستی سجزب املی . آمدند تدافع کنند ، مطالب سذگری را نو دادند که ما میدانستیم !  
 از نکاب خالب سذگر اسکه در پای سد مربوطه ، صد رندی با دستخط نوشته اسکه در جای " اس " نگاهداری بود .  
 حتما این نویسنده هم سد را بخوانده و سغمده نام چمران اسد ! نویسه یا سانشان اسست که خای اسن سری بسدا کند چون ابجا سد " رهائی " اسداد و مابه نرمدکی شد .  
 و بالاخره اعلامیه مذکور سادار :

تکثیر از : گروهی از دانشجویان اتد . اسلامی خارج از کشور

خاتمه می یابد . نویسنده ان که معلوم نشد کسیت ، تکثیر کننده آن هم کویا گروهی از دانشجویان در خارج کشورند که سب سرقما ( ! ) حروف چاپی داسه اند و نام خود را حروفچینی کرده اند !  
 سچاره حزب امل . حواست نام حدود اعلامیه ندهد . نام دیگران ندهد ، سب آنها را هم باز کرد !  
 سیمرغ دزد ؟ سراسنی عرصه او حوالنگاه ما ست .

رهائی نشریه سازمان وحدت کمونیستی



## حزب توده (۲)

### چرا «سنگ را بسته و سنگ را گشوده‌اند»

" همد کسایکه این گفتگوی ضروری... را به کناری نهاده‌اند و نه پنهان حوثی و اسرادی ملا نبطی وار به اس کلمه با آن نظر از میلان مقاله . به سائیدگی کوهی فلان نعل مول (۱) ... پرداخته‌اند و اس چرتاب فرعی و حاسبه‌ای را چنان بر رنک و خاد جلوه داده‌اند که اصل قصه بپرنگ و با حتی لوب سده است"

(مردم ۱۱۰) (سنگد از ماست)

ملاحظه مسود که هکامکه مکتوبم شارلانسیم منظور چیست "کوهی" تک نعل نول خود خود "سائیده" میخود، یک مسئله‌ی فرعی" بر رنک مسود با "اصل قصه" ( و اصل قصه حتماً سخن میزان برامد بس ) لوب شود . و حتماً چنان است! "اصل قصه" فعلاً اس است که خانکه ملا اشاره کرده‌ایم بچر سمت سده مقبول فالانها سد و نول خودسان در آغوس آنها بویه داد . اینها دیگر همدی مسائل "فرعی" و "حاشی" و "روشنگر مآنه" است . بپر حال . بر ار اس مسائل "فرعی" فعلاً در میگذریم تا بسیم این حزب طرار بویسن در سالهای اخیر چه ادعاهائی داده و چه برحاشی ارائه داده است .

بچار "مهاجر کسر" و یا فرار سزک رهبران به آغوش مادر، حزب توده به اعتراف خود فعالیت چمکبیری در ایران ندانست . بکار آمدند برایش فعالیت کنند و عباس شهریاری معروف در ماموریت کانه، از حاسب حزب و ساواک، صدها تن از اسفلاسیون ( و بگفته‌ی حزب "ماشوب سسها" ) را به سکجه‌گاهها و جوجهای اعدام سیرد . نفر مردم از این فرقه موجب توقف کامل هر نوع فعالیتی از جانب آنها شد ولی تویا از نظر حزب حسن بود بلکه:

"مرافیت چهار جمی" ساواک برای جلو گیری از فعالیت مارکسها و خرابکاریهای دمسس عملاً موجب عبیت طولانی حزب در صحنه مبارزهٔ علمی در ایران شد .

( دنیا سال اول - شماره‌ی اول - دوره‌ی چهارم )

صفحه ۱۱۴

"مرافیت چهار جمی" ساواک" مانع از بوجود آمدن و ادامه‌ی مبارزه و جانفشانیها و حماسه آفرینیهای انقلابیون کمونیست بینماری که در دهها کروه و سازمان مبارزه با رژیم دد منی پهلوی را ادامه میدادند شد ولی "حزب توده"

در شماره‌ی گذشته به سمدای از سکردهای حزب توده که ماسکر میران شارلانسیم حاکم بر اس "حزب" بود اشاره کردم و تذکر دادم که صل از آنکه ادعاها و "برهای" حزب توده مورد نقد فرار کبیرد ساند سحیص داد که سائک حران سیای عوامفریب و شارلانسیم مواحه هسنم که دروع - کوهی و ابن الوسی و جاپلوسی را اسرار محاز و ضرور برای مقبولت میداند و از هیچ خلافکاری و بلبیدی خودداری نمیکنند . دروغگوئی در مورد کدتنه، دروغگوئی در مسورد حال و وارونه سان دادن حفاوس در اس حران ماکساولیسی - با بقول خودشان "سط خروشان" - سکه‌ی راج است و چسین محور میسود که دسکران سیر نه سفور و نه بحره‌ی کاسی را دارند که دعاوی کدتنه و حال آنها را در مسائل هم فرار دهند .

چندی قبل بگفته‌ی آنها در "تائید خط امام" - و بنظر ما در اجرای اوامر اربانان حتم براه آنها - حملات همیگی حزب توده به بیروه‌ای چببب کرفت . اینکار برای موجه سان دادن سازنکاری و نترنه خود سمر کاملاً لازم سواد . چپ راستین ساید آلوده و "سکوک" جلوه داده میند سنا "حزب توده براسنی منزه (۱) و صدق (۱)" در می خسود سوحیه شود . بمنظور اجرای اس برنامد، این فرصت طلبان کاسه لس مطالبی بوشند که سنام معنی کلمه توده ابستی بود . طی این برنامد معلوم سد که همدی سازمانهای چبب مخالف آنها "ماشوشیت" هستند ( و ابن البیه نامل سازمان و حذت کمونیسی "ماشوشی" (۱) هم میند ) معلوم سد که همدی مخالفین حزب توده تربچه‌های بویکی هستند کسد بدسور ارباب امریکائی یا جیبی با کلم کندیده در اسادهٔ برای ابن منظور آوردن نقل قولهای از اینجا و آنجا ساروری بود . دستگاه کارمدان حزبی به حرکت افتاده چیزی پیدا نکرد . ولی چه باک چون انبان حزب ار کدهای جعلی بر است .

لاحرم دستنکار جعل و تحریف رندند . ولی "سابعانه" کرمار سدد . مردم به سرو صدا در آمدند که در روز روسن ، جعل و تحریف فسح است . حتی باره‌ای از هواداران حزب معترض شدند . درج جواب حزب توده را برای اثبات آنچه که در فوق گفتیم مفید می سمریم :

انجام ندید و " حاج ناصر و واقع  
س نر حمت حاکمه رمام امور را بد  
سداده ساد ( دسا مهر ۵۴ )

بدن برسد که حرمان سازگار و ارضاعی که صرفاً مجبور  
ساده از دیکتاتوری هم نبود ؛ حرب خود بر حسد و دلالتی  
که مخالف با لطیف را سگار ماجراجوانانای صداسد  
که " مائوسنهای امریکائی " مطرح میکنند بر کمرس کوشش  
خود را کرد تا موج ساروهی رادیکال را بحوابا سد  
و مائوسن سارخی جوس را انجام دهد . ولی عمل و انگیزه  
حسی جوی بر آر آن بود که " همدار " های حرب طرار جوسی  
سوتر آمد و مردم با کمال سافت ( ) کوس به ساحت  
آن ندادند و نه را سیکون کردند .  
بکارن صداسد و یک حو سرف حکم میکرد که " حرب "  
ار خود استفاد کند . اسفاده از خود بروی و سلسدی  
- حه اسفا " اسناد " بدر سست - بلکه لافل برای حفظ  
ظواهر ار اسنمده راسرووی و سارنگاری . اما اگر ختنس  
سوروی رود حرب بوده را ساحتاسم . " حرب " یا سمران قشاک  
سرمی که بدون کسفظ ار عیدهی اس حرمان بر سانسد  
اکسون در مورد ساسد خود در آن سالتها سوسند :

" طی سالتهای احیر ما سغار سیکون ساحتس  
رژیم عد ملی و حد دموکراسیک محمد رما سگاه "  
را مقدم بر دیکر سروهای ساسی مطرح ساحتس "  
( دسا ۱۰ دورهی چهارم ) اساکد ار ساسد )

حال اگر حی را " ساندکی " (۱) کوسدهای نفل فولها ، آسهمه  
حدل خود و سارمانهای سرفی را در مورد سارنگاری سسسر  
میکردند سار مکفسم صرفا دروغگو سسند . اسفا سوهس  
به سبور همی کسای اسدکه بکمال و دو سال پسرا سناد  
دارند . اسفا بی سراسی در مقابل آن عدهی فلسلی اسد  
که امروز خود را " هوادار " حرب بوده سسمرند . اسفا  
حی به " خودسها " دروغ سکوسند .

را ار ادامدی فعالیت ملی در ایران باز داس . سسر  
حال اس سها حرب سربک زکد حسا در آسده آسرا سسرب  
خواهد ساسد ) سوحسد که سعالبد در مان دانجوسان  
ارای : رونا و امریکا رسدی اطلی سعالس حرب سوده سوب  
ولی اس رسدی اطلی سسرع حمان محدود و مقصص بد کد  
سرای " اسفا و هواداران " اس حرب رادراس سفاط مسد  
با اسسسان سمد . در سمام طول اس سالتها حرب سسوده  
سسا و اسفاده سکود کد با سسیدی ملی ، سسیدی سسرسی  
سارد زدر آسورر سسور سمداسسد که سسفه " لیسرال "  
اسد ) . راسرووی و سارنگاری حرب سجدی رسد کسه در  
مقابل سغار همی سارمانهای ساسی که سسکونی رسیم  
سغور سهلوی بود اسفادکی کرد و آسرا " حبرواند حواسد  
با آسفا که اس سائله سهارا با اسحرافات سسعد دیکر  
آر موحظرد کلی حزب ار سجدی ساروهی ساسی و طرفدار  
آن ار کسعدراسون سد . سمام اسدلالات امروز در جبرواند  
حواسدن می سارمانهای سساده رسد . سمرورد ساسنسل  
آسرامن سسر وجود داس . در آسرامن حد سفلاناسده ، مقبولس  
سافس : ر حاسر سهریان سسیدی ملی بود و راهی کد سسسناد  
سد ادامدی همان راه سالتهای ۳۹-۴۲ در اتحاد اسحاد  
با سسیدی ملی بود .

سکاسک سحران ساسی - اسفادی رسیم سهلوی موحب  
سدسد حربک اسفراسی مردم سده و امواج ساروره در حال  
اوح ساسی بود ، حرب سوده حد اغلای کوسرا برای اسحرای  
ادهان عمومی و طوکسری ار " حرب روی " سگار سسرد . در اسن  
رسسد ساسد آوردن حد نفل فول ار مطبوعات اس سارمان  
سبجا ساسد .

سروهای ملی و دمکراسیکه سسه  
سپهانی و سده در مجموع قادر به سسر -  
سکور ساحتس رژیم سسسد . ( دسا اسفاد )  
( ۵۴ )

انتخابات مجلس خبرگان علیرغم امیدواری حزب توده و علیرغم کمکهای مستقیم و  
غیر مستقیمی که این حزب از رژیم در یافت داشت یک چیز را نشان داد و آن این بود که  
کسانی که حاضرند رای خود را بنام حزب بصدوق بیندازند ، بسیار قلیل اند .

ولی کسسیم که ما با حرب سوده طرفیم . و اس سسا  
دارد . اگر اسفا سفظ دروغ سکفند . اگر سرفای دسروور  
خود را واروند طوه سمداسسد صرفا سسسلت و دروغگو  
بودند . اما اسفا سسوده اسسسد و اس سسفای آسسد  
کد چنان سسناحانه سفل وارونه سسرسد که سفا یا سسرای  
سادانان و سی اطلاعاتن کلکی کسج کسند سسود . سسار حرب  
ار خود اسفاد سکردند . دروغ سکسند . سسوامرسی سکردند .  
سار حرب . اما سسسد برای محکم کاری سسمان کسانیکد  
همان سسارهای حرب سوده را در همان زمان سمداسسد اکسون

ساده با " ساصردوسن سر ططاب ساحتس  
همکاری کرد " اردسب ۵۵  
و سالاچه  
کاملا ممکن اسد سسکومت سسردی  
ساده و رژیم سسلیسی او از سسین سسروودولی  
خود سسلف سسحمان نامدی سافی سساده  
( سسیم ۵۴ ) " اسسفال قدرت ز یک  
سناح طسعه ساحتس به سناح دیکر "

حکونه حمله میکنند. حزب توده در حمله به تریه (الته سرار نعل او) دلیل میآورد که او عنصر مکتوکی است چون حتی پیر از انقلاب هم سارکاری میکرد. و مستقیم بوده است که:

" مبارزه برای بدست آوردن آزادیهای سیاسی را باید از مبارزه علیه تسلط سیاسی، نظامی و اقتصادی آمریکا جدا کرد و آنرا در چهارچوب مبارزه برای استقرار منروطیت سلطنتی و قانون اساسی کهنه نگاه داشت. قدرنامه را محدود کرد و با حداکثر برتری بجای او ساخت."

کنکه به سابقه‌ی حزب توده آشنا نماند حال میکند نعل - نولی مللاار "بیره نامی دنیا" را میخواند، ولی این عبارات که امروز بنظر حزب توده بسیار زیاده گراست آوردن از آنجا نفل ندهاند. از زبان "محمد" آنسرووی و هم سر و هم بسمان آنرماسی نفل ندهاند و حزب طراز سوسن صرفا میخواهد با خاک پا شدن توی چشمها بگذارد عده‌ای ندانند که این سر خود آنها بوده است!!

حواصده توجه خواهد کرد که ما هنگامی که واژه‌های سد سارلانان و نساد و نظائر آنرا در مورد حزب توده بکار میبریم زیاده روی نمیکنیم. چگونه ممکن است تحت العاٹ ملاسیری اس جریان را توصیف کرد؟ دروغ و دغلیکاری هنگامیکه سسمان نبرند و به نهایتهای خود رسد تنها با حسن العاطفی قابل بیان است. و این راه و شی که از ابتدای فعالیت این حزب با کنون وجد منحصر بقصد تعالیم عمومی آنرا میخواند، به بیانی دیگر قابل توصیف نیست، و حتی باید عنوان به جواب گفت که حزب توده در ادامی منعصباسه و سرخشانه این راه از تمام احزاب کمونیست هم مسلک خود در جهان بیشتر و فرارز رفته است. ما واقعاً هستیم که این صفرا حزب توده پایه کداری کرده است. این صفرا حصدده از رمان انحراف و استدال کمبیرن نظور سیمنا تیک در احزاب وابسته عقبت شده است. اما هر حزب سر حسب ویزکیهای خود و جامعه‌ی خود چهره‌ی خاصی بآن داده است. حزب کمونیست فراسه از جهت صی کلی و حاکمیت ریزیو بیسیم کمر از حزب توده نسبت ولی غیر ممکن است بتواند ناس سهولت دروغ نکوید. این حزب برای یک تحریف مجبور بمقدار فراوانی رسنه جسی و تدارک "تنوریک" است. ولی در جامعه‌ی عقب افتاده ما

در بی فرهنگی حاکم بر اعضا "حزب"، در بی شخصیتی رهبران آن، اینکار سه سهولتی که زرز مارشه را به حزب وامندار میسر است، از قول نوشته‌های مخالفین دروغ ریبخشند تا شدکی) گفته میشود. از نوشته‌های خودی سه دروغ - نفل مسود. و اینها همه میسر است چون در کشور فلک رده‌ما - و این بهترین مانده برای حزب توده است - کمر کسی دسرسی سه نوشته‌های نکال و دو سال پیشی سار مابهای ساسی دارد پس میبود نعل آقای طبری گفت: " از همان آغاز [چندین سال پیش] شی حمینی

را در سرد علیه آنچه که آنرا "طاعت نامده" مورد ناسد بکسر فرار دادیم." (دسیا - ۱) بنظر آقای طبری بکر از ۳۵ میلیون جمعیت ایران حد نسر نوشته‌های یکی دو سال پس را در دسرسی و نیاد دارسند. قطعاً اس تعداد نفل است. اس تعداد نفل را از ۳۵ میلیون کمر منکم سیرار "۳۴ میلیون کوسعد" در احیار داریم. مشاهده مسود که سر کله‌ی ۳۵ میلیونی کوسعد فقط منعلق به روحاسون مرجم است. چه حزب معقد است اینها انحرافگر هستند و اجازه‌ی اسفاده از جیبس - صوراسی را ند "هم منی" های خود میدهند. سارکنان ناسد کالای امریکائی تحريم. فولاد روسه سیرار مسحکم است

سحر لانه‌ی جاسوسی امریکا سوٹ سروان حطام صرف بنظر ار انگیره‌ها و علل آن بک فاسده برای مردم ایران ناسد و بک فاسده برای حزب توده. فاسده‌اش برای مردم ایران این است که هنگامیکه مبارزه - بیره غلب - در کیرد احصاات نفا امیرالبنی مردم سرجه مسود و کسرسی می یابد و سروهایی مرفی مسوانند از آن جهت طرد امیرالبنی و نسد مبارزه‌ی طنغالی بیره برسد (و البته نساد سرور فرست مردم در "مبارزه از بالا" را نسدده گرفت. در این مورد در شماره‌های نفل نوصح داده‌ایم). اس، ناسددهی کار برای مردم ایران است. اما حزب توده بدلسلی دیگر در اس میان نفل خود "سار حوشال" نسد. اسکار رمندهائی را برای رشد نفود سوری و فروس کلالی سوسالسنی سوجود آورد که صور نکردنی بود. س ناسد از اس کار دفاع مسد ولی قطعاً اس دفاع سیر سه شوکا "سوده‌ای" صورت گرفت.

نوصح آنکه همه و هر بکار ساز مابهای حاسب در نطیلهای خود از این مسئله ار دکر و ناداتوری این نکته عافل نمایند که همین رژیم حاضر هنگامیکه مردم پس از انقلاب سعارت امریکا را اسفال کرده، آنها را طلع سلاح نمود و از دولتو سیر امریکا سوس خواست. البته حزب توده مایل باین یادآوری نیست. اما اگر فقط فراموشکاری میکرد صرفاً "مصلحت حوشی فرصت طلبانه" کرده بود و مسند آنرا صرفاً حمل بر سارکاری کرد. اما سار فراموش نشود که با حزب توده سرو کار داریم. و اسن بدان معنی است که "حزب" این زنده‌های رژیم س امریکا و طوکسری از حرکت مردم را سوجیه میکند. سوجه هر جسد احمقانه، ضروری است چون همانطور که کفبیم حزب توده و طبقه پر کردن جاله جوله‌های اسدلالی رژیم را سهیده دارد. سه "مردم" ۱۵۹ توجه کنند.

سئوال - چرا اس نفل (اسفال لانه‌ی جاسوسی امریکا) زودتر انجام نکرده است؟  
جواب - " پس از سیروری انقلاب در ایران اسن امید میبرسه که دولت ایالات متحده‌ی امریکا برای حفظ مناسبات خود با ایران ناسد در صد نرآند که جاسوخانه‌ی خود را منحل و آنرا به سعار خانه بدل کند."

برای دیر ناوران ناکند میکنم که! بن سوال و حسوا  
 عا ار "مردم" شماره ۱۰۹ صفحه اول سون سوم نقل شده  
 اس ( بدون ناشدگی ) . اگر بلندی و درونکونستی و  
 نواخیزی در آن به نهایت رسیده است کی جرجی  
 است . " حزب ظوار سوس طغی کارکر " . حزب کمونست ضد  
 امپریالیست ... جرجی که تاغی ۴۸ سال مبارزه بی امان  
 علیه امپریالیسم " را داشته است سخاوته حتی نفییت احصی  
 خلود دادن خود ، سوچیدگر بارکاری و سامح رریم ناسند .  
 " اس اسد صرف " ( طفلیکهای معصوم ) که امپریالیسم  
 امریکا دسار جاسوسی باری میکند و " جاسوخانه را محل  
 و نه سفارخانه بدل کند . حتی سر اس عمارت کتیف و  
 دو رو نانه اسچه رسد به مسمی و محتوای آن ! پس  
 اسکالی نداد که رریم سروهای مرمی را با اردتگی از  
 سفارت امریکا بیرون انداخت و کمندی معروف سفارت امریکا  
 را بوجود آورد ( از قرار افرادی از همان کمیته امروز جز  
 پیروان خط امام در سفارت هستند) . افرادی نبود که  
 معاهد سعادی دستگیر شد چون فعالیتهای او " روابط ایرو  
 و امریکا را بره میکرد" . آخر ناسد امریکا ججدهی  
 خوبی مسد و " جاسوخانه را نه سفارخانه بدل نکرد" !  
 سارلانیسم یعنی اسیر ، و اما از کجا معلوم که اسحا  
 جاسوخانه است . اس امر از اسحا معلوم نمسود که  
 همدی سفارخانههای قدرتهای جهانی جاسوخانه هستند .

دلالتی که افراد ندارد ، اسکه هنوز "مموع" ننده است .  
 نه . سربلشتم همه با هم صفات "مردم" را احتصاص دهیم  
 بد ذکر فوائد خرد و فروش کالا با کشورهای سوسیالیستی .  
 نموده ساسوبه ناوریم که همدی کشورها حسن میکنند  
 ما جوا نکسم . در هر سماردی "مردم" ما حید و لاجب  
 "همسایه عالی" و "سرب بلاد" سوسیالیستی را سطنع  
 کسم . ورنه در صفات "مردم" را سرائاردنیا از اسن  
 آکپیهای تبلیغاتی سعیدی خواندگان میکننداریم با حسط  
 کسند که چه کالاهائی (!) از اسلحه گرفته تا کتاب مذهبی  
 فقط مسطر کسب اجارهی ورود از محضر رهبران اسفلاستی  
 هسد و با کمی کوشش خرب بوده اسالکد سعالیست و ارد  
 خواهد سد . اسالله . ولی صا حما و حما رهبران  
 اسغلاب اسلامی فراموس نکند که رتی می کوئیم کشورهای  
 سوسیالیستی منظورمان حسن سساحون مردم سسارهی ۱۱۰  
 میسود که " کرسچیس ناسیر ناسنور" کسه اسند که جن  
 وضع اسنادن خراب است . سوسالسم سوروی را با سوع  
 جچی آن اسماه نکند که طبعید مسود و همدی فاسدهی  
 "سارزهی سد امپریالیستی" از سن مسود .

اندنولوزی با طرؤب اعلام

تردی بنام احان طبری که از صفا سئورسین حسرب  
 توده اسحتد سال بسن که هسور "اندنولوزی با طرؤب  
 اعلام" کتسده بود و از فرار تدرسه گانه اسکان

هنگامی که بحران سیاسی - اقتصادی رژیم پهلوی موجب تشدید حرکت اعتراضی مردم  
 شده و امواج مبارزه در حال اوج یابی بود ، حزب توده حد اعلای کوشش را برای  
 انحراف اذهان عمومی و جلوگیری از «چپ روی» بکار میبرد

اس امر از اسحا معلوم است که امپریالیسم و اسبر  
 ندری و ... بدون جاسوسی و سوطنهگری متحک است . اس  
 امر ناکیهان برای حزب بوده از آنجا فهمیده سد که در  
 اسن با "دستگاههای الکترونیک جاسوسی کار کدانشده نده  
 است . سالبعلج ! و اسفا عجیب است . دستگاه "الکترونیکی"  
 که در آن الکترونها سرعت سور در حال دو هسدسد را  
 امریکائی بی سرفلای دسوار کداسه . چه کار رستی !؟  
 طفلیک سیرمرد فروسی "ضد ماشونس" معروف خرب نوده و اسفا  
 سعبد میکند که امپریالیسم چه حسرای محومی دارد . رهلی  
 آدم آس مسود . بسن طفلیک سوروی سوسیالیسدا چه سسروی  
 الکترونیکی" باید متحکد . باید کمکن کرد و یکی دو با  
 از اس دستگاهها را کس رفت و برای ک - ج - ب - س فرسأ .  
 سیرمرد فروسی چسپاس سرق سسزسد ...  
 از سسکس کسب کسبم ؟ ما از بی سسکسکی ؟  
 باری . خرب نوده مطلقا معصوم اسرا کتس کرده اسند  
 که " جاسوسی طبق سواسین سن المللی مموع است" و اسس  
 سسار سوحال کسند اسد چون خرب "قطعا" مطابق اس کسب  
 دسکر از اس سس جاسوسی سحاوه کرد . ولی دلالتی جسه ؟

حسک کرده بود سسوس : " محتوای سع مانده همدی  
 مذاهب سرنار است از عبادت و مراسم که ناسدهی  
 عقلی و علمی ندارد . " اسان اسنقاد دانسد که نه کسها  
 سع بلکه اسانا "مذهب مانده حادو سعدهی جهل سسر .  
 عجر سسر در سراسر سواهی طبیعی و اسجاسی است " و سسر  
 سکف کد همدی سساصران و کاسنکه بد آنها الهام مسشود  
 با سوامسرسند با "حال سسار و سسکسند" ای دارند . و سار  
 از صفا از آنجا که از خصوصات " سئورسیرهای حسره ای " .  
 اسکد کافی اسحظی را به آنها سان دهی با آسکسدر  
 براسسد و برهان و دلیل و مدرک سساورسد که خط کسکی .  
 آقای طبری در اس راه رفتو رفتو رفتو رسنا آنجا که داس  
 ساورمان مسد که سسودی مذهب سسبدل سد " سساد عمدهی"  
 حاصسد مسود و "رازل و اوباس" مذهبی کد در ۱۵ سسرداد  
 علیه "ساره رسر سساور" سسارده کرسند به سسرای " سنسرو  
 اسعمال ارتجاسی" خود مسرسند .  
 اما ورنه سسکسند . آن  
 " محافل ارتجاسی کد کوسسده اسد در اسسام  
 سسراداری ۱۵ خرداد از اسحساب مذهبی سسدهای



در عارضی بعد به تحریف من در مورد شوراها اعتراض شده است و سر ادعا شده است که در قانون اساسی

"حدود آزادی کلی محدود شده است... و این صبح چیزی را که بصیرت سهل است، دست هر قلدز بالقوه‌ای را که مخالف آزادی باشد باز می‌گذارد." ( ۵۷ )

بسیار عدم تحریح برابری زن و مرد نکات میکند و می‌شود:

"تاسف انگیز و تکراری آمده است که چنین بتد و حق مسلم زنان ایران در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران... بار تابناک است." ( ۵۸ )

بار از نفعی حق حاکمیت ملی نکود میکند، از بحصل زبان فارسی بد خلقها، از اصل مربوط به اعمال موهی تماثیه می‌نالد و می‌برد:

"چرا باید مطالبی که در زمان رژیم شاه مخلوع یا آئینه اصرا و برور سر سوزه و تکنجه نحصل مسند استگ پس از انقلاب، در قانون اساسی جمهوری اسلامی بار تابناک است." ( ۵۹ )

مسئله‌ی دفاع قانون اساسی از "مال" "زالتوهای اجتماع"، مسئله‌ی نحصل کری به افلیتتهای مذهبی و ملی تا "تحریف کامل پیش سویی" تا حدی که متن جدید در موارد متعدد و مهم "از حواستها و منوبات مردم و اهداف انقلاب بزرگ ما فاصله گرفته است" و بالاحره باز گذاشتن امکان تکنجه مورد اعتراض "حدی" فرار گرفته است.

از تقسیم کرسیهای مسادگی محسن شورا در سطح کشور و شوراها، حقه بازی در جابجا کردن طرحی که صبح در مجلس مورد بحث قرار گرفته، کلک زدن در اتحاد فنرت در مجلس خیرگان "در شماره‌های بعد مورد اعتراض قرار گرفته است."

در شماره‌ی ۶۷، حرب با "تگفتی" مشاهده میکند (۱) که "ماده‌ی مربوط به مسومت تشکیل شرکتها و موسسات در بحث عمومی و مسومیت دادن انحصار" دستخوش تغییر و تحریف مسود و نتیجه میگیرد که "بذل کردن پیش نویسنه متنی که تنها یک گروه نیرومند را ارضاء کند و تنها افراطیون جنگ سر... تا آن موافق باشند". "مردم و زحمتکشان را... مایوس و بیگانه" میکند.

ساز گذاشتن سوراخی برای اعلام حکومت نظامی "خاطره‌ی بسیار سومی" را زنده میکند و بالاحره شورا بصورت "مطاری سختی رمق و رنگ ساخته... که بکلی با اصل نظام شورائی تفاوت ماهوی و کیفی دارد و اصلا آن چیزی نیست که حکم انقلاب ما و بار زمان ما و جوان مردم ما است" در آمده است. و بالاحره نتیجه گرفته مسود که

"مشی عمومی و طرز کار مجلس خیرگان... نتایج صغی خود را... بسیار آورده است."

بسیار خوب! دیگر کسی نکوید که حزب نوده نقد نمیکند.

حزبی که معتمد است مشی عمومی و طرز کار مجلس خیرگان تنها افراطیون جنگ منز را ارضا، میکند، حزبی که معتمد است قانون اساسی حاضر املا آن چیزی نیست که بار زمانی ما و نایسته انقلاب ماست، چنین حزبی که اینتمس "فاطماند" بالا تا ناس قانون را "نقادی" میکند، حزبی خلاف گفته است؟ اما اگر خواننده اسطار داسه ساند که حرب در صورت ضرورت خود را جز "افراطیون حکم معر" نکند اشیاه میکند. برای همه - بجز آنها که حرب نوده را خوب می‌سناد - تعجب آور بود که حرب نوده معول خود "بنا تمام موا و امکانات" به بسج مردم برای دادن رای سه همس قانون اساسی سافت؟! چرا؟ چه بد؟ مس قانون عوصت؟ بد! "اشغال لاسی حاسوی"، تحریم حرد کلالانی امریکاشی، و کمکهای "سی سائده تی اردوگاه سوسالسنسی در ارسال کالاهای خوب به نقد و به اسفاط، همه چیز را عوی کرد. بطوریکه در آخر سر معلوم شد که:

"نکاتی مانند بحکیم استقلال اجمادی و سیاسی و نظامی کشور، حلوکتری از اسمار (۱) و کمک، به زحمتکشان در جهت معط نفوذ سرمایه‌های امیربالیسی و سرمایه‌های واسدی داخلی (۱)، آزادی احزاب و انجمنها و مطبوعات و غیره، از جمله مواردی هستند که طرح قانون اساسی بطور مثبت با آنها برخورد کرده است و محتوای این مواد مورد تائید ماست" ( ۱۵۵ )

حال خواننده صفت مساستر از سناد و نارلانات برای توصف این جماعت می‌یابد؟ حزبی که در یک شماره (۵۶) ارکاستر متنوید:

"نکات مثبت و نالوده‌های درست پیش نویسن... ریر نام و به بهانه‌ی اسلامی کردن قانون اساسی بتدریج و کام نکام بد کناری سهاده شده و میشود و تنها بتدریج و به اسشیا برخی نکات مثبت ساتی میماند با انکارا تحریف نمشود."

و تا آنجا مسرود که اعلام میکند:

"مجلس خیرگان... مسروعت خود یا مقبولیت خود و قانونیت مصویات خود را متزلزل ساخت." ( ۵۶ )

و سیر ساگهان پس از "انقلاب مردم" تحت تسمی که چ سفحه را گرفته است میگوید:

"حزب نوده‌ی ایران از همدی اعضا و هواداران خود و مردم ایران دعوت میکنند که هر چه وسعتر در فرماندوم قانون اساسی شرکت کنند و باین سند رای مثبت دهند."

و چنین حزبی چکاره است؟ آیا چنین حزبی صرفا طلب و عوامفریب است؟ بد! این حزب، حزب مامور است. حزب کارگزار است. و ما در شماره‌ی آسیده ساس جنیه‌ی فصد خواهیم پرداخت. (۲) مثل از مردم اول سر ماه: (۳)

در حاشه رویدادها... بعد از صفحه آخر

با دگر آشنایی روی ندهد و دانشجویان پیرو خط امام هم از اینکه در نصر اسناد زیاده روی کرده اند از خود انقاد کردند و آماده برای "مجازات سرحمی" شدند!

اس امر در گروههای مخلع ساسی با مواضع متضاد و سراسیمهائی بوجود آورد که نکند "افشاکریها" موقوف نبود. از جمله سازمان چریک های فدائی خلق کد از زمان انتقال سفارت نوحه "دانشجویان پیرو خط امام" علیرغم گذشته بر افتخار این سازمان مسامحه ما نگاه ریزاکریها- ثنی در سرخوردن به جناحهای حاکم بوده ایم. اثر زمانه ساسی سازمان، انحلال گسته ها و نفییت دولت باررکان را خواستار بود بد سمن زرنکی سردمداران رژیم و راه انداختن کارزار "مد امیربالیستی". رفقای فدائی بصورت ضعف تری تر حزب نوده را در مبارزه علیه "لیبرالهای آمریکائی" و نابیند خرده بورژوازی "مد امیربالیستی" دنبال کرده اند (الستسه در مورد حزب توده اسن تر فقط بمانه ای برای نوحیه کاسه لیسسی مدرصدان است که ما در شماره ۱۶ رهائی در مقاله "حزب بوده در کرانه های ارنداد" در اس باره نوشته ایم)، بنظر مسوم علاوه بر غلغل سینی که سبب ریزاکریهای عملکردی رفقای فدائی شده، فشار رژیم و به رسمیت نشناختن سازمان در مذا- کرات کردستان و حملات و تیشمهای "رهبری" به فدائشها در این مسئله بی تاثیر نبوده و رفقا را به اقداماتی جهت رسمی شدن و مشروعیت یافتن و اسفاده از مرایای غیر نابل اشکار آن کشاده است که بازتاب این کرایش را در بسیاری از مومخ- کیریهای آنان به عیان مبعوان مشاهده کرد. ما در شماره ۱۵ رهائی بیرامون راهبیمائی ۴ آذر و قطعنامه پشیمان- سسی سازمان از "اقدامات ضد امیربالیسی روحانیت مبارز" مطالبی در اس رصیه نوشتم. فدائشان در اعلامیه ۱۴ آبان حدود در شرح حرمان سفارت، بقول خودشان دچار خطای حدی شدند و "تلاش خرده بورژوازی را همان خروش انقلابی توده ها" شمردند و در ضمیمه کار ۳۵ در انقاد به خودی که ریشه خطا را بر- رسی سبک کرد میگویند، "موضع پرولتری آن بود که با خط فاصل دقیق و روشن بین عاملین واقعی این حرکت و نیت آنان زنا کند از ماست) و خواست زحمتکشان و نیت آنان تصویر روشنی از واقعیت موجود برای توده ها ترسیم میکرد" ولی باز در راه - پیمائی ۸ دیماه فدائشان، ملاحظه میکنیم که انقاد از خود فراموش شده و به مواضع ۱۴ آبان بازگشت میشود و اعلام- مسکود کرد که "ما همصد" ما مردم مبارز ایران با تاکید بر اهمیت افشاکریهای سیاسی که از جانب سروهای انقلابی و ضد: میربالیست (تاکید از ماست) صورت میگیرد، خواهان ادامه افشاکریهای دانشجویان پیرو خط امام هستیم". در اینجا بار "عاملین واقعی این حرکت و نیت آنان" فراموش میشود نظاهرات و راهبیمائی و سیج توده ها برای فشار به رژیم حاکم جهت افشای کامل فرار دادهای امیربالیستی و اسن- سا و ساواک حاضر کمال اهمیت و برای "چپ" لازم است ولی انتظار داشتن از رژیم و دانشجویان خط امامش که هر وقت تلفت کنند سدی که به اساس کار لطمه ای وارد سازد، منتشر

نماید، دشمنان روی از خرده بورژوازی است. امری که رفقای فدائی در انقاد از خود ضمیمه کار ۳۵ به آن معتمد بوده- اند و بار فراموش شده است. در انقاد ضمیمه کار ۳۵ مساند "موضع پرولتری آن بود که با خط فاصل دسی و روس سس- عاملین واقعی این حرکت و نیت آنان و خواست زحمتکشان و نیت آنان تصور روشنی از واقعیت موجود برای توده ها برسیم مسکود. تنها در چنین صورتی است که بیمکامان پرولتاریسا قادر خواهند شد ضمن ترک فعال در مبارزه دمکراتیک و ضد امیربالیستی و تعمیق آن به دشمنان روی از خرده- بورژوازی کسبه نشوند"

عکس العمل "دانشجویان پیرو خط امام" در برابر- راهبیمائی فدائشان نشان داد که خرده بورژوازی علیرغم منزلت بودن در مبارزه ضد امیربالیستی "از قاطعیت زیاد در مبارزه علیه چپ سرخوردار است. قانعیتی که منافقانه چپ ما در شرایط کنونی در مبارزه علیه بورژوازی از حدود نشان نداده است. " دانشجویان... اعلام میکنند که "طرح هرگونه حرباسی را که خدا از خط امام ساند حرباسی اشخاصی دانسته و آنرا نهایتا در جهت حفظ منافع امیربالیستی آمریکا میدانیم" "ما هرگز به سستیهای نیروهای ناخالصی که در برابر اسلام و جمهوری اسلامی ایستاده اند ساری نداریم و بالاخره اینکه "گروههای که امروز بعنوان سبب ساسی از ما اعلام راهبیمائی کرده اند... مادامیکه این ماهیت فریب- کارانه را دارند و علیه خلق سوطه میکنند هر چند چه رهان به حمایت از خلق را نمایش دهند باید بر جای خود بنشینند که ما را به یاری و پشتیبانی آنان نازی نیست."

در شرایطی که هنوز معاهد خلق سادنی به اتهام انحلال در روابط بین آمریکا و ایران در رعدان اسد و روابط- انعمادی - سیاسی، نظامی و فرهنگی با امیربالیسم افشا، و قطع نشده، اسناد ساواک و سیا و مواد و سایر سازمانهای جاسوسی و روایطشان با یکدیگر افشا، معیتود و نسیم- در مواقع مفتضی و در صورت مصلحت رژیم، "سندی" رو میشود "جدی انکاستن مبارزه ضد امیربالیستی رژیم قفاوسی ناشی از ستنش غلط و آرزوئی بی اساس ستن نیست."

مبارزه ضد امیربالیستی جدا از مبارزه ضد ارنجاسی نیست و رژیم سوماهیهداری ایران بنا بر ماهیت خود نمیتواند کامی اساسی در مبارزه ضد امیربالیستی بردارد. هر قدم کوچکی که رژیم در این راه بردارد تنها در اثر فشار توده- ایست و از این رو کموبیشها باید با شرکت در مسارزات توده ها رژیم را به عقب نشینی واداشته و در عین حال ماهیدارنحاعی آنرا افشا، نشانند. توده های رحمتکش کسه هنوز به مبارزه ضد امیربالیستی رژیم ساور دارند در ضعی زمان با مشاهده نزلت رژیم و سو خالی بودن ادعاهایس و با افشاکری کمونیستها آگاهی خواهند یافت که تنها نحس- رهبری طبقه کارگر و در جریان مبارزه علیه سرمایه داری حاکم است که مسوان مبارزه ضد امیربالیستی و دمکراتیک را به پیش سوده و به پیروزی رسانند.



# در حاشیه رویدادها

حده کوردلی دستگاه حاکمه آمریکا است. اینها می‌توانند سعی در آن داشته‌اند که امام خمینی رهبر انقلاب ایران حمایت خود از طرفیان خود را بکنند و حتی بکنند که اطرافیان امام در نظرات امام و تصمیمات امام تأثیر دارند. دانشجویان خط امام "موجود نیستند" این اظهار نظر خمینی به امام می‌کند زیرا اگر این امر در مورد نه گفتن به شاه صورت می‌گیرد "بقول اطرافیان" می‌تواند ننگه منعی باشد. برعکس در مناطقی چون خیابان علی حلی کرد و از جمله همین منطقه استجاب آقای مهندس بازرگان هم حد در حد قبولی خود می‌تواند کار به این برسد در امامی که می‌تواند می‌تواند "اطرافیان" که در امام "بقول" ندارند.

و اما در باره فوائد و حواشی اصحاب مهندس بازرگان رهبر "جریان بی‌ضی‌آرادی" که با وجود روس بودن "سازگاری" کام "این "جریان" و حواشی که "ماه طلعت" که به حکومت و کوشش این "جریان" برای اینکه سطح علمه نظام ساختاری را در "تک‌گانه‌ی تمام قانون اساسی بنیاد کند، کاتالسی که بار ساختاری نظام ساختاری می‌شود". به فرمان شجر "رهبر انقلاب" به ریاست "دولت‌موند انقلاب" و غنوت "سورای انقلاب"، اصحاب مسوده اگر کسی حرف "سروهای ناخالص" به غیر "دانشجویان خط امام" را هم باور ندارد بحمدالله "پیش" دانشجویان بیرو خط امام"، این سروهای خالص روسی به که "..." آنچه که خط جریان بی‌ضی‌آرادی را مشخص می‌کنند آن است که بر این انقلاب سوار شده و سگدار که حفظ انقلابی و خط مردمی حاکم بر حاکمیت ملت و حاکم بر مقدرات ملت کرده "افسارهای" مربوط به بی‌ضی‌آرادی و اکتشای منطقی را در سروهای مختلف سیاسی و مراکز قدرت بوجود آورده. از یک طرف سوار "دست کلیدی" آقای بازرگان بوسیله اعلام حاکمیت مسئول بی‌ضی‌آرادی رسد و "سورای انقلاب" حد بر که به بی‌ضی‌آرادی "دانشجویان بیرو خط امام" که در وطن خود در راه روی کرده بودند. رد که "کرونی" که با هدف طولانی مآرکسی و انقلاب اسلامی دارد نباید تاکنون در معرض یک سلسله حمله‌های بی حساب قرار گیرد و "حق" را محدود کردن سگ گروه است که از دیوار در خط مبارزه اسلامی بوده‌اند و هم اکنون بر افرادی از آنان بار مسئولیت‌های اخوانی را بر دوش دارند" (باکند از ماست) ذکر خوب همکاران دست دوم رژیم با حدی حاشیه است تا جوی رهبری امور و دست‌گیر می‌شود را از کله‌بان بیرون کند و بگوید همه می‌تواند که این بوده‌های مردم و این حاکمان بوده‌اند که دیوار آسایش بازرگان را به سخت‌وری سرگرداند و امروز این "سختی" هم "جریان" هایمان را "در سورای انقلاب" و با در دست مقامات مهم مملکتی نگار گریخته‌اند و صحبت از این است که سورای انقلاب بر اساس گریخته‌اند و قرار است که آقای فخرزاده رابط "دانشجویان خط امام" با "سورای انقلاب" با بعد در صفحه ۱۷

در همه کسند ما شاهد بالاکتسی متحد پس دو جناح هستیم حاکمیت مردم. طرح پس از سقوط مهندس بازرگان... محسور بر دولت انقلابی از محدودیت و محدودیت است که به "مرحله اکثر" است. البته بر محدودیت حاصل شده است. و انحلال عملی جمهوری خلق سلیمان و ممنوعیت جنبه ملی طهرای سطر مردم که جناح "لسرال" سورروازی ناصبه را کاملاً ناصبه است و جای گزاشی نباید برای جناح حاکم باشد ولی با توجه به سوانی فعالیت‌های و قدرت اقتصادی سورروازی حیده سورروازی سنی ایران می‌تواند که رسمی که تبدیل از اسفالت سفارت می‌تواند که قدرت‌های را از دستان بی کفایت خارج یارد. در آمده پس از هر فرضی سوانی دست‌گیر می‌تواند استفاده خواهد کرد. سورروازی لسرال می‌تواند سواد بر سر کمر جن خود می‌تواند که در این قدرت‌های قرار گیرد. حیده سورروازی محافظه‌کار با حفظ رهبری خود محسور است. سورروازی لسرال سوانی اداره امور مملکتی است. کند اما همچون فلسطینی محسور است همواره حاکم خود را بر سر این فصل فرود آورد تا سیر سواری دهد و ناد محدودیت می‌تواند که در نظر گرفتن میزان رسد سرمایه‌داری در ایران و حرکت اجتناب ناپذیر رسد سرمایه و بی‌ربانی خد... حیده سورروازی دیگری خواهد گذاشت که سورروازی سوار خود را به رسد بافتاد. مگر اینکه در این میان طبقه کارگر ایران قدرت‌های را دست‌گیرد و سوانی سبها ضعیف‌های که رسد دارد و می‌تواند انقلاب انجام ما را به سر انجام رسد.

حاکمیت و حاکمیت رسد رویداد همه کسند... در حدال پس دو جنبه حاکمیت مناطقی بود که بدست‌های اصحاب همکاری امور انظام با سوا بونظ "دانشجویان بیرو خط امام" سنی آمد. سوار اینکه همه‌های رسد از استعمال سفارت آمریکا "لانه حاکمی" بگذرد. پس از اینکه آقای بازرگان کار کارانه اعلام کرد با وجود اینکه تمام "توسعه" ریاست جمهوری بوسیله حاکمیت بریده شده و فقط "دانشجویان" باقی مانده. حاکمیت اساس "سجوان" دلچون در آورد. لازم بود از کود خارج کرده از سواد در روزگار تاکنون و سوار همه... ها حاکمیت رابط معاون مورد اعتماد آقای مهندس با سوا کند. حد حاکمیت برای رسد آقای بازرگان از این سوا سوا رسد روی آقای بازرگان جمهوری سوا سوا و مشاور و دفاع از آقای امیر انظام لزوم روگردن است. سوا دیگر سوا را احاطه کرد و تاکنون کشف شده است. آقای بازرگان نخست‌وزیر سوا امام و بی‌ضی‌آرادی انقلابی بوده و به سوا کام به کام که بقدر امیرالسلطنه بوده اعتدال داشته است. باطلعت!

"دانشجویان بیرو خط امام" اعلام می‌کنند که "ما از یک جریان تمام جریان بی‌ضی‌آرادی می‌توانیم مثال برشیم که یک سوا از افرادی در اسباط سوا لانه حاکمی فعالیت می‌کنند. دست... " "..." این جناح لسرال بازرگان که در اصحاب بی‌ضی‌آرادی است. سلطان می‌کند در جهت درهم شکستن خط انقلاب و بی... بگوید خط جدیدی ایجاد کند که مافع آمریکا را حفظ کند. " دانشجویان در رابط با سوا در مورد معاونت نظر "اطرافیان" تا "در تأسیس و پیران مطرح می‌کنند که "این قسمت سوا"